

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

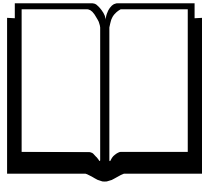
 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش



« الْوَجْهُ النَّافِعُ وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ »

☀ « الدَّرْسُ الثَّانِي » ☀

﴿ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً ﴾

« خدایا جان کن سرانجام کار
که تو خوشنوداشی و ما رستگار »

← **حال = قید حالت (فارسی)**

(۱) پدر بافروتنی در مسجد نماز می خواند . (۲) انسان ، ضعیف آفریده شد . (۳) کودک ، خندان به سوی مادرش آمد .
در جملات فوق کلمات (بافروتنی ، خندان ، ضعیف) به ترتیب حالت پدر ، کودک ، و انسان را بیان می کنند و در فارسی قید حالت محسوب می شوند .

برای بیان جملات فوق به عربی به شکل زیر عمل می کنیم .

(۱) يُصَلِّي الْوَالِدُ فِي الْمَسْجِدِ خَاشِعًا . (۲) جَاءَتِ الطِّفْلَةُ إِلَىٰ أَبِيهَا ضَاحِكَةً . (۳) خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا .

با توجه به تعریب جملات فارسی و تبدیل قید حالت زبان فارسی به حال در زبان عربی مشخصات حال را اینگونه تشخیص می دهیم .

(۱) حال اسم است . (۲) نکره می باشد . (۳) منصوب (- ؛ أ ؛ ة) است . (۴) معنای صفتی دارد . (۵) حالت فاعل یا مفعول و یا مجروری را بیان می کند (بیان حالت) .

نکات :

نکته ۱: حال نکره باشد ، یعنی هیچ یک از انواع معرفه (اسم علم ، اسم «ال» دار) نمی توانند حال واقع شود .

نکته ۲: چیزی یا کسی که حالتش بیان می شود « صاحب حال یا ذو الحال » نام دارد .

حال در جنس و عدد از صاحب حال خود تبعیت می کند.

مثلاً در نمونه (۱ و ۲) چون « والدی و الإنسان » مفرد و مذکر هستند حال آن دو به صورت مفرد مذکر به کار رفته است . ولی در جمله سوم چون « الطفلة » مؤنث و مفرد بود حال « ضاحکة » به صورت مفرد مؤنث آمد .

نمونه های دیگر :

مثال ۱: يَلْعَبُ الْوَلَدُ فِي الْغُرْفَةِ مَسْرُورًا . تطابق حال « مسروراً » با صاحب حال « الولد » (هردو مفرد و مذکر)

تَلْعَبُ الْبِنْتُ فِي الْغُرْفَةِ مَسْرُورَةً . تطابق حال « مسرورة » با صاحب حال « البنت » (هردو مفرد و مؤنث)

مثال ۲: اسم مثنی : يَعْمَلُ الْوَالِدَانِ فِي الْبَيْتِ رَاجِعِينَ . راغیین : حال و الوالدان صاحب حال . (هر دو مثنی و مذکر)

جمع مذکر سالم: هل أنتم تنظرون إلى العبر متأمليين. متأمليين: حال و أنتم صاحب حال. (هر دو جمع مذکر)

****** حال اگر مثنی و جمع مذکر سالم باشد فقط از شکل «ین» دارش استفاده می شود. (مؤمنین - ضاحکین)

نکته ۳: صفت بودن حال به این مفهوم است که حال باید یکی از اسامی زیر باشد (اسم فاعل ، اسم مفعول ، صفت مطلق در معنای

فارسی مانند : شاد: فَرِحَ، فَرِحان - خوشحال: مسرور - غمگین : حزین - زیبا : جمیل - ...)

اسم فاعل: از ثلاثی مجرد بر وزن فاعل (ناصر) و از ثلاثی مزید (مُعِد)؛ (مُتَكَلِّم ، مُؤَمِّل ...)

اسم مفعول: از ثلاثی مجرد بر وزن مفعول (منصور) و از ثلاثی مزید (مُعِد)؛ (مُتَكَلِّم ، مُؤَمِّل ...)

صفت: همان صفت مطلق در زبان فارسی است .

نمونه برای هر یک :

اسم فاعل: يَسْتَمِعُ الطَّالِبُ إِلَى الْقُرْآنِ خَاشِعًا. (خاشع: اسم فاعل: فروتن) «دانش آموز با فروتنی به قرآن گوش می دهد»

اسم مفعول: دَخَلَتْ التَّلْمِيذَةُ فِي الْعُرْفَةِ مَحْزُونَةً. (محزونة: اسم مفعول : غمگین ، ناراحت) « دانش آموز با ناراحتی داخل اتاق

شد .»

صفت: يَجْلِسُ الْوَالِدُ فِي الْعُرْفَةِ فَرِحًا. (فَرِحَ : صفت : شاد) پدر شادمان در اتاق می نشیند .

صاحب حال :

تذکر: صاحب حال غالباً فاعل یا مفعول یا نائب فاعل جمله است . ولی گاهی ممکن است نقش های دیگری مثل مضاف الیه

نیز صاحب حال باشند . حال غالباً در جملات فعلیه به کار می رود (در محدوده کتاب درسی)

أمثلة:

(الف) فاعل : يَعِيشُ الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا شَاكِرًا. (المؤمن: فاعل و صاحب حال)

(ب) نائب فاعل : خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا. (خُلِقَ : فعل مجهول ، الْإِنْسَانُ : نائب فاعل و صاحب حال)

(ج) سَاعِدِ أَخَاكَ مَظْلُومًا: برادرت را که مظلوم است، یاری کن. (أخا: مفعول و صاحب حال)

(د) جَرَتْ دُمُوعُ الْفَرَحِ عَلَى وَجْهِ الْأُمِّ مَهْلَلَةً: (الأم: مضاف الیه و صاحب حال مهللة) اشک های شادی بر صورت مادر «لا إله إلاّ

الله» گویان جاری گشت .

تذکر ۲: گاهی برای تشخیص این که صاحب حال فاعل جمله است یا مفعول آن احتیاج به قرینه ای داریم که ما را راهنمایی کند . این

قرینه می تواند لفظی باشد یا معنوی : قرینه لفظی یعنی از لفظ حال ، صاحب الحال مشخص می شود.

مثال: رَأَتْ فَاطِمَةُ حَمِيدًا مَبْتَسِمَةً. (مبتسمة: حال برای فاطمه است زیرا به صورت مفرد مؤنث به کار رفته است.) ولی اگر بگوییم

« رَأَتْ فَاطِمَةُ حَمِيدًا مَبْتَسِمًا » مبتسماً حال برای حمید است چون مذکر است .

قرینه معنوی یعنی از معنای جمله دریافت می شود که صاحب حال کدام کلمه است .

مثال ۱: رَضَعَتِ الْأُمُّ طِفْلَهَا جَائِعَةً: مادر کودک گرسنه اش را شیر داد. « جَائِعَةً » حالت کودک است زیرا خوردن شیر بوسیله او صورت گرفته است.

مثال ۲: أَطْعَمَتِ الْأُمُّ طِفْلَهَا مُشْفَقَةً عَلَيْهَا. مادر به کودک خود با دلسوزی غذا داد. « مُشْفَقَةً » حالت مادر است زیرا دلسوزی مخصوص مادر به کودک است.

صاحب حال همواره یک اسم معرف است.

***حاله مفرد** به صورت صفت حالیه ی زبان فارسی و با پیشوند « با » یا با پسوند « ان » و « انه » و شبیه به آن‌ها ترجمه می‌شود.

مثال: خَرَجَ الطَّلَابُ مِنْ جَلْسَةِ الْامْتِحَانِ فَرِحِينَ: دانش آموزان از جلسه ی امتحان با خوشحالی خارج شدند.

***کلمه «وحد»** (تنها، به تنهایی) پیوسته همراه ضمیر به کار می‌رود (وحدَه، وحدک، ...) و نقش آن در جمله « حال » است.

انواع حال: ۱- مفرد ۲- جمله حالیه

حال مفرد: یعنی حال یک اسم باشد مانند تمام مثال هایی که تا کنون آورده شد.

نتیجه:

در مثالهای زیر به تبعیت حال مفرد از صاحب حال کاملاً دقت کنید.

جاءَ الأَطْفَالُ ضاحِکِينَ!

جاءَ الطِّفْلَانِ ضاحِکِينَ!

جاءَ الطِّفْلُ ضاحِکاً!

جاءتِ الطِّفْلَاتُ ضاحِکَاتٍ!

جاءتِ الطِّفْلَتَانِ ضاحِکَتَيْنِ!

جاءتِ الطِّفْلَةُ ضاحِکَةً!

جمله حالیه: حال اگر جمله باشد غالباً سه نشانه دارد و معنای «درحالی که یا که» می دهد.

(۱) بعد از اسم معرفه می آید. (توضیحی برای یک اسم معرفه می باشد.)

(۲) با « و » شروع می شود که به آن « واو » حالیه می گویند.

(۳) در جمله حالیه ضمیری وجود دارد که به صاحب حال بر می گردد.

مثال: تَدْرُسُ الطَّالِبَةُ وَهِيَ تَسْعَى لِلْوَصُولِ إِلَى الْغَايَاتِ السَّامِيَةِ. جمله « وَهِيَ تَسْعَى » حالیه است،

زیرا در باره « الطَّالِبَةُ » که اسم معرفه است توضیح می دهد، با « و » آغاز شده و دارای ضمیر « هی » است که به

صاحب حال بر می گردد. ترجمه: دانش آموز درس می خواند در حالی که برای رسیدن به اهداف والا تلاش می کند.

***ترجمه ی حال:**

الف - حال مفرد: به صورت صفت حالیه ی زبان فارسی و با پیشوند «با» یا با پسوند «ان» و «انه» و شبیه به آن‌ها ترجمه می‌شود.

مثال: خَرَجَ الطَّلَابُ مِنْ جَلْسَةِ الْامْتِحَانِ فَرِحِينَ: دانش آموزان از جلسه ی امتحان با خوشحالی خارج شدند.

ب - جمله حالیه: جمله حالیه با عباراتی مانند: در حالی که، حال آن که، و که ترجمه می‌شود.

**چنانچه در جمله حالیه فعل وجود داشته باشد یا جمله حالیه با فعل آغاز شود ترجمه ی آن فعل متأثر از فعل جمله قبل یعنی جمله صاحب حال است و فعل جمله حالیه به سه شکل ترجمه می شود .

فعل جمله صاحب حال	فعل جمله حالیه	ترجمه ی فعل جمله حالیه
ماضی	ماضی	ماضی بعید یا ماضی ساده
ماضی	مضارع	ماضی استمراری
مضارع	مضارع	مضارع اخباری

مثال ۱:

حَجَّ الْحَجَّاجُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ هُمْ هَتَفُوا: اللَّهُ اكْبِر :

فعل ماضی ← فعل ماضی ← ماضی بعید یا ماضی ساده

حاجیان خانه کعبه را طواف کردند در حالی که فریاد زده بودند (فریاد زدند) : الله اکبر

مثال ۲: تَظَاهَرَ عَمَالُ الْمَعْمَلِ وَ هُمْ يُطَالِبُونَ بِحُقُوقِهِمْ: کارگران کارخانه تظاهرات کردند درحالی که حقوق خود را درخواست می کردند.

فعل ماضی ← فعل مضارع ← ماضی استمراری

تَجْتَهُدُونَ فِي حَيَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ النَّجَاحَ لِلْمُجْتَهِدِ! : درزندگیتان تلاش می کنید در حالی که می دانید موفقیت از آن کوشا است!

فعل مضارع ← جمله حالیه با مضارع

تست حال :

۱- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ الْحَالُ :

(۱) أَسْرَعَ الطَّالِبُ إِلَى الْبَيْتِ مَاشِيًا وَ عَاجِلًا!

(۲) وَقَفْتُ فِي الشَّارِعِ مُتَمَلِّمًا فِي مَنْظَرٍ جَمِيلٍ!

(۳) يَسْتَمِعُ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ خَاشِعِينَ وَ يَنْتَفِعُونَ بِهِ!

(۴) أَجَابَ الطَّالِبُ إِلَى السُّؤَالِ الَّذِي كَانَ فَرِحًا بِذَلِكَ!

« تَجْرِيد ۹۶ »

۲- عَيْنُ الْحَالِ:

(۱) الْمَوْتُ لَيْسَ مَخُوفًا كَمَا يَظُنُّ بَعْضُ النَّاسِ،

(۲) عِنْدَمَا نَعِيشُ خَائِفِينَ مِنَ الْمَوْتِ،

(۳) نَفَقَدُ قُدْرَتَنَا أَمَامَ مَشَاكِلِ الْحَيَاةِ،

(۴) وَ هَذَا هُوَ الْخَوْفُ الْحَقِيقِيُّ الَّذِي يَقْتُلُنَا!

« روان ۹۳ »

۳- عَيْنُ الْحَالِ:

(۱) يُشَجِّعُ الْمَعْلَمُ الْمِثَالِي تَلَامِيذَهُ بِأَنْ يَكُونُوا مِثْلًا صَالِحًا فِي الْحَيَاةِ! (۲) بَعْضُ النَّاسِ يُحِبُّونَ أَنْ يُسَافِرُوا رَاكِبِينَ فِي الْقَطَارِ أَوْ الطَّائِرَةِ!

(۳) كَانَ الطِّفْلُ بَاكِيًا مِنْ أَجْلِ أُمِّهِ وَ لَكِنْ لَمْ يَجِدْهَا فِي الْبَيْتِ! (۴) الْعَقْلُ هَيْبَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ النِّجَاةَ فِي أَسْوَأِ الْحَالَاتِ!

۴- عَيْنُ «وَاو» الْحَالِيَّةِ:

(۲) أَطْلُبُ الْعِلْمَ وَ لَا تَكْسَلُ فِي ذَلِكَ!

(۱) وَالْقَلَمُ وَ مَا يَسْطَرُونَ!

(۴) أَجَابَ الطَّالِبُ إِلَى السُّؤَالِ وَ هُوَ فَرِحَ بِذَلِكَ!

(۳) وَ مَنْ يَعْمَلُ ذَرَّةً مِنَ الْخَيْرِ يَرَّ عَاقِبَتَهُ!

۵- عَيْنُ الْحَالِ يَبِينُ حَالَةَ الْفَاعِلِ:

(۲) حَيَاةُ الْعِظَمَاءِ مَشْعَلٌ لِلْهَدَايَةِ وَ هُمْ خَالِدُونَ فِي التَّارِيخِ.

(۱) كَانَ النَّاسُ يَحْتَرِمُونَ « مُدْنِبًا » وَ هُوَ تَائِبٌ مِنْ ذُنُوبِهِ.

(۴) لِي صَدِيقٌ أَرَاهُ حَاضِرًا كُلَّ صَبَاحٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

(۳) يَنْصَحُ الْوَالِدُ الشَّبَابَ مَفْسِرًا آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.

۶- عین صاحب الحال جمع تکسیر :

- (۱) ألبست هذه الأمّ بناتها ملابسهنّ الجديدة بسيطةً نظيفَةً !
(۲) في الغرفة شاهدت الموظّفين دؤوبين في أعمالهم!
(۳) ساعدنا المؤمنین مسؤولین عن تأمين معاش عوائلهم!
(۴) أراني ساكنو هذه القرية جبالها خبيرین بمسالکها!

پاسخ تشریحی :

۱- گزینه (۴) :

گزینه ها : ماشياً : حال و الطالبُ : صاحب حال و فاعل . ۲- مُتَمَلِّئاً : حال و «تُ» در وَقَفْتُ صاحب حال و فاعل . ۳- خاشعین : حال و المؤمنونَ : صاحب حال و فاعل . ۴- نکته : همواره بعد از أفعال ناقصه یک اسم منصوب می آید که در واقع همان مُسند یا خبر محسوب می شود . یکی از دامه‌هایی که برای حال در تست قرار می دهند اسم منصوب بعد از أفعال ناقصه است، پس فَرِحاً در گزینه ۴ چون بعد از کان آمده، خبر است.

۲- گزینه (۲) :

در گزینه ۳ و ۴ کلمه ای که مشکوک به حال باشد از نظر معنی و شکل ظاهر وجود ندارد. (ردّ گزینه ۳ و ۴) . در گزینه یک هم مَخَوْفاً بعد از فعل ناقصه کان آمده پس خبر است . ولی در گزینه ۲ خائفینَ : ترسان ، حالت نحنُ در فعل نَعِيشُ را بیان می کند و حال است.

۳- گزینه (۲) :

در گزینه (۱) صالحاً صفت برای مثلاً است، ضمن اینکه قبل از « مثلاً صالحاً » فعل ناقصه کان آمده است. پس مثلاً خبر کان می باشد. در گزینه (۲) راکبینَ : حال برای بَعْضُ النَّاسِ است. در گزینه (۳) باکیاً بعد از کان آمده پس خبر است. در گزینه (۴) کلمه ای که شبیه حال باشد در جمله نیست. (هَيْبَةً : بخشش) ؛ خبر و مرفوع است.

۴- گزینه (۴) :

واو حالیه در وسط جمله می آید و حتماً بعدش یک ضمیر جدا بکار می رود، مانند(وهُ) در گزینه (۴) . گزینه های دیگر این نشانه را ندارد.

۵- گزینه (۳) : (سوال حالی را می خواهد که حالت فاعل را بیان می کند یعنی به فاعل بر می گردد.)

مُفَسَّرًا : حال برای الوالدُ است که فاعل می باشد. : پدر جوانان را با تفسیر آیه ای از قرآن نصیحت می کند.

گزینه ها : (۱) و هو تائبٌ : جمله حالیه برای « مُذْنِباً » که مفعول است . ۲- و هم خالدون : جمله حالیه برای العُظماءِ است که مضاف الیه می باشد. ۴- «حاضراً» حالت «صدیق» است که مفعول می باشد . (توجه : برای تشخیص نقش صاحب حال ترجمه بسیار کمک می کند.)

۶- گزینه (۱) : (سؤال حالی را خواسته که حالت جمع مکسر را بیان می کند .)

گزینه ها : (۱) کلمات «بسيطةً و نظيفةً» به معنی ساده و تمیز، حال هستند برای «ملايس» که جمع مکسر است.

در سه گزینه دیگر صاحب حال جمع مذکر سالم هستند که به ترتیب عبارتند از:الموظّفين - المؤمنين - ساكنو (ساكنون) و به ترتیب دؤوبين و مسؤولين و خبيرين حال برای آن ها می باشند.